



پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۱۰ ۱۳ خرداد ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۳ جون ۲۰۲۳ قمری
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶



مانده ایران

دروغ سازاده رضا شاه دوم
درفهنگ ایران زمین تنها شاهانند که از فر و بزرگ نشی برخوردارند.

از شنیدن خبر درگذشت ناگهانی مهرداد پارسا، گوینده و خبرنگار توانا و ایران دوست متأثر شدم. او عمیقاً به میهنش ایران عشق می ورزید و در بیش از چهار دهه تبعید اجباری، صدای مردمش بود که در بند رژیم ضدایرانی هستند.

فقدان او رابه خانواده و دوستان، و به ویژه همکارانش در تلویزیون پارس تسلیت می گویم.

یادش گرامی

رضا پهلوی

شعری از یک بانوی هموطن

از آن روزی که فهمیدم نسل شاهان است
دران تاریخ پر بارش تمدن ها نمایان است
از آن پس میهنم ایران برایم دین و ایمان است

ز تاج و تخت شاهانش حکایت ها فراوان است
تمام افتخاراتم ره آورد نیاکان است
بهشتم خاک ایران واهورای من ایران است

اقدار يا استبداد

اسداله نصر اصفهانی

این نوشتار پا سخی است به جمهوری خواهان، به جبهه ملی، به نهضت آزادی، به ۵۷ ی ها، به تمام عوامل چپ و حزب توده و به مجاهدین خلق که خود از پیش برای ملت بزرگ ایران رئیس جمهور تعیین کرده‌اند و حداکثر سه هزار نفر برای ۸۵ میلیون جمعیت ایران تعیین تکلیف نموده و رئیس جمهور انتخاب کرده اند ولی هنوز نگران بازتولید استبدادند

رضا شاه بزرگ مقدر بود مستبد

زمانیکه قزاق بلند قدی به نام رضا سوادکوهی قدم به میدان مبارزه با فساد و دگرگون ساختن و انقلاب واقعی اجتماعی گذارد عملاً کشوری مستقل به نام ایران وجود نداشت. هرچند به ماورالطبیعه اعتقادی ندارم ولی هنگامی که این نوزاد سوادکوهی در راه تهران از سر ما خشک شده بود و به گونه ای معجزه آسا دوباره زنده شد بزرگترین مهر خداوندی به ملت ایران بود که پس از بی مهری های فراوان به این ملت ارزانی گردید. و رفت تا ایرانی نو برپایه ناسیونالیسم ایرانی رضا شاهی برپا کند. به قول یکی از بزرگترین دشمنان ایران انتونی سر پارسونز سفیر انگلیس در ایران هنگام شورش ۵۷، در کتاب غرور و سقوط خود مینوسد «دردویست سال اخیر در ایران تنها انقلاب واقعی به معنای دگرگون ساختن ساختار اجتماعی به وسیله رضا شاه (این قزاق بی سواد سواد کوهی) انجام گرفت»

در آن هنگام شاهان قاجار جیره خوار و حقوق بگیر دولت فخمه انگلستان بودند. عین الدوله صدراعظم ایران که در قلعه منزل داشت مجبور بود ماهانه ۶ تومان به سفارت انگلیس بابت امنیت منزل و عبور و مرورش در قلعه به سفارت انگلیس بپردازد. مملکت ملوک‌الطوایفی کامل بود و هر ایل و عشیره ای در داخل خود حکومتی مستقل داشت. رئیس ایل یا عشیره با اقتدار بیش از یک شاه ایل خود را اداره می کرد. به علت ناتوانی مالی و نظامی حکومت مرکزی هرکس صد تفنگچی داشت بر منطقه خود حکمرانی می کرد. راه امنی وجود نداشت برای رفتن از تهران به ناصری (اهواز امروزی) باید مسافر جان برکف وارد عراق شود و از

آنجا به بصره رفته وارد خوزستانی شود که خزعل دست نشاندۀ دولت فخمه نگهداری لوله های نفت را بعهده داشت و عملاً پادشاه خوزستان بود.

قرارداد ننگین وثوق الدوله یا قرارداد ۱۹۱۹ که ایران را به دو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم میکرد برای این قزاق بیسواد ولی میهن پرست به هیچ روی قابل پذیرش نبود و پس از کسب قدرت رشوه های گرفته شده از سوی وثوق الدوله و وزیرانش را با اقتدار و نه با استبداد پس گرفت و به خزانه تحویل داد. قرارداد نفت داری را در بخاری انداخت و سوزاند. برای استقلال مالی کشور و کسب توان مالی در راستای برپایی یک قشون منظم که لازمه عملیات ارتش برای برقراری امنیت در سراسر کشور بود و در زیر سایه این امنیت میتوانست ایران را به سوی صنعتی شدن سوق دهد، در راه تامین مالی با اقتدار و نه با استبداد شخصاً آرابه حامل پول های بانک شاهی انگلیسی را در راه متوقف و پول های آن را به عنوان اینکه این پول ها متعلق به ایران است مصادره کرد و رسید آنرا داد که در هیچ گوشه ای از دنیا سابقه نداشت. اگر باز پس گیری امتیاز نشر اسکناس از انگلیس را می خواست از راه گفت و گو های عادی و معمولی انجام دهد تا پایان عمر رضاشاه این امتیاز برقرار بود..

صنایع هر چند ناچیز قند و شکر و نساجی را برپا کرد راه آهن سراسری را بدون قرضه خارجی ایجاد نمود.

پل ورسک را که یکی از شاهکارهای مهندسی آن زمان بود با اقتدار و نه با استبداد به کمک مهندسین خارجی بدینا عرضه کرد که موجب افتخار و سرفرازی این مهندسین نیز شد.

یکی از مخالفان سرسخت پهلوی ها، دکتر کریم سنجابی استاد حقوق که پس از ملاقات با خمینی با انکشافی ناگهانی و وحی الهام در بیانیه سه ماده ای خود «جمهوری اسلامی **ملی**» رابه جهانیان عرضه کرد. او که پیش از این پیشنهاد نخست وزیری پادشاه راموکل به خروج شاه از کشور کرده بود، واژه اسلامی را که برپایه قوانین الهی و تغییر ناپذیر است رابادیده ملی که قوانین آن مردم سالاری وزمینی است در کنار هم قرار داد ودانستیهای خود و جبهه ملی و همه میهن پرستان را یکجا به زباله دان تاریخ ریخت، در کتاب خاطرات سیاسی خود به نام امیدها و ناامیدی ها در رویه ۴۰ چنین مینویسد:

«در واقع عشایر ایران و نیروهای ایلخانگری و

من خودم از یک ایل بودم ولی باید بگویم که این اقدام رضا شاه در تحول اجتماعی ایران یک عمل موثر و لازمی بود. برای اینکه اگر کشوری دارای عشایر باشد که مسلح باشند و در مواقعی خودسری کنند و هر رئیس ایل در داخل ایلش هم فرمانده باشد و هم حاکم و هم قاضی، بایک سازمان ملی و اجتماعی مترقی و به خصوص با مشروطیت و دموکراسی نمی تواند تطبیق داشته باشد.... در آن موقع خزعل ها، صولت الدوله ها و امیر اعظم کلهر ها و سرداران بختیاری هر کدام در داخل خودشان یک حکومتی بودند مستقل. رضاخان با پشتکار تمام عشایر را سرکوب کرد و آنها را آسکان داد. امنیت جاده ها و راههای تجارت آمد و شد در دوره رضاشاه تامین شد که خود سبب شد که امور اقتصادی و تجارت رواج پیدا کند..... صنعت نساجی ایران و صنایع قند ایران از آن زمان آغاز شد. یکی از کارهای مثبت او همین راه آهن سراسری بود.»

با اقتدار تمام سید ضیاءمکار خود و نخست وزیر را برکنار کرد و قوام را به جای او گمارد. با اقتدار تمام و بالغو تمام عناوین تشریفاتی دوله و سلطنه و الملک و مانند آنها نیروی عظیم بالقوه ای را آزاد کرد تا همراه با عمومی نمودن آموزش، روستا زادگان دانشمند به وزیری پادشاه بروند. با اقتدار تمام و نه با استبداد قوانین مدنی، قوانین جزایی عرفی، قانون ثبت اسناد و املاک و قانون ثبت احوال را که ملایان در انحصار داشتند با تمام مخالفت های آخوندها به تصویب رسانید. قزاق بیسواد نشان داد که از تمام دوله ها و سلطنه ها و باسوادان برجسته انروزگار، از مشیرالدوله و مؤتمن الملک گرفته تا داور و تیمور تاش باسوادتر است. با اقتدار و نه استبداد دانشگاه تهران را پایه گذاری کرد. به ریال ایران آنچنان ارزشی داد که در تمام طول پادشاهی اش کوچکترین کاهشی در آن پدید نیامد و در واقع تورم در حدود صفر بود. به آرزوهای مشروطه خواهان یعنی تاسیس بانک ملی، بانک کشاورزی و بانک سپه جامه عمل پوشاند.

تمام یاغیان و گردنکشان شمال و جنوب و شرق و غرب را با درایت و نبوغ ذاتی خود تسلیم کرد و با تسلیم کردن خزعل امنیت کامل را در سراسر کشور برقرار ساخت و از آن پس دوره سازندگی ایران را آغاز نمود. پیش از آن حتی یک گروه بان ارتش به نام فرهاد یاغی شده بود.

نایب حسین کاشی در یک قدمی تهران آسایش را از مردم جنوب تهران سلب کرده بود. با اتکا به ناسیونالیسم ملی خود و تنفر از بیگانه پرستی و بیگانه پرستان با اقتدار تمام نه با استبداد در مدت ۱۶ سال پادشاهی اش ایران را یک قرن به جلو برد. پس از تاسیس دانشکده پزشکی با وجود کارشکنیهای ملایان بزرگ و اعلام اینکه تشریح جسد خلاف شرع اسلام است. سالن تشریح را با اقتدار و نه با استبداد برپا کرد.

متحد شدن لباس مردان و برداشتن کلاه نمدی و تنبان گشاد را با اقتدار و نه با استبداد پیاده کرد که منجر به بلوای بهلول در مشهد شد. رضا شاه با اقتدار و با فدا کردن فروغی نخست وزیرش که برادر همسر اسدی استاتادربی کفایت خراسان بود این طرح ملی را پیاده کرد. در اجرای اصل هشتم متمم قانون اساسی که میگوید اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق اند از زنان رفع حجاب کرد. بیماری مالاریا و تراخم، حصبه و تیفوئید و کچلی را با اقتدار و نه با استبداد تا حدود ممکن ریشه کن کرد. استراحت برایش مفهومی نداشت و در زمان پادشاهی هم با تمام امکانات روی تشک و روی زمین می خوابید. وقتی جاده ورامین را تعدادی اجنه قرق کرده و شب ها به راهزنی می پرداختند، یک تنه با یک شوشکه نیمه شب به محل رفت و اجنه را که راهزنان محلی بودند و با پوشش کفن سفید خود را اجنه معرفی می کردند با حمله و زخمی کردن سر دسته آنها ۵ نفر دیگر را بفرار گذاشتند. و با این اقتدار نه با استبداد امنیت را که برایش درجه نخست اهمیت را داشت برقرار کرد. چون به فساد ساختار حکومتی و مملکتی کاملاً آشنا بود روز و شب و نیمه شب از پادگان های نظامی بازدید می کرد و با اقتدار کامل نه استبداد تمام فاسدین در ارتش را تنبیه سخت می کرد. مستبد واقعی خمینی بود و مستبد زنده علی خامنه ای است که حتی یک ثانیه قادر نیست بدون کشتار ملت و کودک کشی و اعدامهای ظالمانه گلهای سرسبد ایران برای مرعوب ساختن مردم حکومت کند.

رضاشاه بزرگ مردم قدر تاریخ ایران روحت شاد

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضاشاه دوم تنها راه نجات ایران

راه نجات ایران

دوام قانون اساسی مشروطیت است

محمود احمدی

در عرض چند ماه گذشته شاهزاده رضا پهلوی بقولی کورش زمانه برای نجات ایران در جایگاه رهبری مانند پادشاه بلقوه عمل کرده اند. آنچه مسلم است شرط اول موفقیت مشروطه خواهان اینست که بتوانیم در برانداختن حکومت جمهوری اسلامی به رهبری کورش زمانه با کمترین هزینه توفیق پیدا کنیم.

در نظرگاه اول، که شاهزاده همچنان در جایگاه تاریخی خود مانند رضا شاه دوم عمل می کنند یعنی در دوام قانون اساسی مشروطیت عمل خواهند کرد که خواسته مشروطه خواهان از یکطرف و اراده مردم داخل ایران از طرف دیگر با ایشان همراه خواهند بود و این به آن معنی است که مراحل بعدی با بکار گرفتن قانون اساسی مشروطیت روند طبیعی خود را طی خواهد کرد.

با توجه به اینکه جمهوری اسلامی با خدعه و نیرنگ در فراندن ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ با آری یا نه به زور سرنیزه غیر قانونی پایه گذاری شد و بعد از فروپاشی آن طبق روال معمول جهانی باید برگردد به یک روز قبل از شورش یعنی به ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷ که در این خصوص کلیه قوانین مملکت قبل از شورش کماکان مورد عمل قرار خواهد گرفت. همچنین باید توجه داشت پادشاه ایران و آخرین دولت پادشاه هیچوقت استعفا ندادند و نایب السلطنه بودن شهبانو فرح پهلوی و ولیعهدی شاهزاده رضا پهلوی و قانون اساسی مشروطیت بقوت قانونی خود باقی خواهند بود.

در این نظرگاه قدم به قدم جریان و روند کار را دنبال خواهیم کرد:

بعد از فروپاشاندن رژیم برای جلوگیری از هر نوع هرج و مرج و نا امنی و بی نظمی در نظام جامعه در وهله اول باید یک دولت موقت تعیین شود تا ضمن جلوگیری از اتفاقات ناگوار، از سیستم های بانکی و کشوری و لشگری و قضایی و دادکستری، فضای آزادی را برای زنده کردن گفتگوها برای تمامی گروه ها و احزاب و فعالیت های انتخاباتی فراهم آورد تا زمینه را برای انتخابات مجلس شورای ملی و مجلس سنا بر اساس قانون اساسی امکان پذیر کند.

شاهزاده رضا پهلوی ولیعهد قانونی ایران که تاکنون بعنوان رضا شاه دوم بالقوه عمل می کردند می توانند سوگند پادشاهی را در مجلس منتخب مردم یاد کنند و

و برای اصلاح مواد قانون اساسی فرمان تشکیل مجلس موسسان را صادر کنند.

آنچه مسلم است قانون اساسی مشروطیت برای پیشبرد کار مشروطه خواهان تنها سند معتبر است که برقرار کردن يك سیستم پادشاهی پارلمانی سکولار را امکان پذیر می کند ولی مواردی در این قانون اساسی مصوب ۱۳۲۴ هجری قمری مطابق با ۱۲۸۵ هجری شمسی و ۱۹۰۶ میلادی وجود دارد که باید تغییر کند. اصل اول متمم قانون اساسی که می گوید:

«مذهب رسمی ایران اسلام و طریقه حقه جعفری اثنی عشریه است باید پادشاه ایران دارا و مروج این مذهب باشد»

و یا اصل دوم متمم قانون اساسی که پنج تن از مجتهدین و علمای اسلام می توانند مصوبه های مجلسین را که مخالف با قواعد مقدسه اسلام باشد رد نمایند تا بصورت قانون در نیایند، همینطور است در بسیاری موارد دیگر که مربوط به اسلام و یا قوانین اسلامی است در این قانون اساسی وجود دارد که باید تغییر کند. خوشبختانه نحوه اصلاح آن موارد در همین قانون اساسی پیش بینی شده است مانند اصل الحاقی به متمم قانون اساسی که می گوید: در هر موقعی که مجلس شورای ملی و مجلس سنا جداگانه، خواه مستقلاً، نظر به پیشنهاد دولت، لزوم تجدید نظر در يك یا چند اصل معین از قانون اساسی یا متمم آنرا به اکثریت دو ثلث کلیه اعضای خود تصویب نمایند و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نیز نظر مجلسین را تایید فرمایند حکم برای تشکیل مجلس موسسان و انتخابات اعضای آن صادر می شود. اختیارات مجلس مزبور محدود خواهد بود به تجدید نظر در همان اصل یا اصول بخصوصی که مورد رای مجلسین و تایید اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بوده است.

لازم به ذکر این نکته است که حقوق سلطنت بر اساس اصل سی و پنجم قانون اساسی که می گوید:

سلطنت ودیعه ایست که بموهبت الهی از طرف ملت به شخص پادشاه مفوض شده.

این به آن معنی است که ملت ایران تصمیم گیرنده نهائی هستند.

در این میان راه پر دست اندازی در پیش داریم و اگر پیشبرد کارها با روند پیش بینی شده برای این کمپین پیش نرفت و شرایط نظرگاه اول فراهم نشد چه باید کرد؟ بنظر نویسنده:

۱- با اینکه نظرگاه دوم قابل پیش بینی نیست، ما مشروطه خواهان باید در کاربرد قانون اساسی مشروطیت در این کمپین پافشاری کنیم.

۲- در وهله اول باید در برانداختن رژیم توفیق داشته

باشیم

۳- در تشکیل دولت موقت کوشش کنیم افراد با صلاحیت در آن قرار بگیرند.

۴- بهیچوجه با تأسیس مجلس موسسان قبل از تشکیل مجلس شورای ملی و مجلس سنا تن در ندهیم.

۵- مجلس موسسان فقط و فقط برای اصلاح مواد قانون اساسی باید تشکیل شود.

افرادی هستند که در فضای مشروطه خواهان دنباله رو باز گشت به مشروطیت هستند، این به آن معنی است که مشروطیت در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ کنار گذاشته شده و یا از بین رفته و تمامی قوانین مملکتی از جمله قانون اساسی مشروطیت و نظام شاهنشاهی نیز از صفحه تاریخ پاک شده است. معنی دیگر باز گشت به مشروطیت اینست که جمهوری اسلامی را که در طول ۴۴ سال از روز اول به کشت و کشتار امرای ارتش و دولتمردان مملکت شروع کرد و در ادامه آن با هر گونه ستم کاری و تبهکاری و کودک کشی و مسموم کردن دانش آموزان و شکنجه دادن و دارآویختن جوانان و تمامی سرکوب و غارت کشور و زیر پا گذاشتن قوانین حقوق بشر و زیر پا گذاشتن

به اصول انسانی و این شرارت ها را به رسمیت بشناسند و تایید کنند. طرفداران بازگشت به مشروطیت می گویند نمی توانیم حکومت جمهوری اسلامی را که تعداد زیادی انتخابات داشته و روسای جمهوری تعیین کرده نادیده بگیریم. این همان برداشت روشنفرما های ۵۷ ی ها است که می گویند خمینی انقلابشان را به بیراهه برد!!

چگونه می توان به حکومتی که به اعتقاد پرپا کنندگانشان با خدعه و تزویر پایه گذاری کردند کردند مهر تایید گذاشت؟ در حالیکه قطار پیشرفت مملکت روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ متوقف شد که بعد از فروپاشاندن رژیم با سرعت هر چه بیشتر حرکت آن ادامه خواهد یافت. پایان

تنها راه نجات ایران تداوم قانون اساسی

مشروطیت است و بس

عضو نگهبانان نهاد شاهنشاهی ایران زمین

و شورای باز پس گیری ایران

۵

شورای باز پس گیری ایران زمین

میجنگیم میسیریم ایران را پس میگیریم



آدرس ایمیل شورا bazpasgiri1401@gmail.com

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم تنها راه نجات ایران

پایه ایران جهان به ناسیونالیسم آگاه میگرد

از دکتر محمدرضا عاملی تهرانی

امروز ملت ایران در آستانه سال ۲۵۸۲ شاهنشاهی، تاریخی از روزگار خود را تجربه میکند که تاکنون چنین گرفتار آن نبوده است. در عصر کنونی جامعه بویژه جامعه ی جوان به راز زندگی خود واقف شده که زندگی آزادانه بشر جز در واحد ملی امکان پذیر نیست و زندگی در میان هر ملت باید تابع قوانینی باشد که به موجب آن موجودیت ملت محفوظ ماند.

اینست خلاصه ای از مکتب ناسیونالیسم (ایرانی) که تنها راهنمای مبارزات ملی بوده و خواهد بود، جز اتکا به آن، هر نظریه دیگری باطل و نادرست است.

در بررسی واحدها، برای جامعه شناسی بشری، دو اصطلاح را مشخص نموده اند.

۱- قوم. ۲- ملت

قوم: واحد اجتماعی ساده است که بشهادت تاریخ صور بسیار متنوعی داشته است، و ملت: آخرین پدیده است که بمنزله یک واحد جامعه شناسی مورد مطالعه جامعه شناسان قرار گرفته است.

«ملت کاملترین و عالیترین پدیده زیست شناسی و جامعه شناسی است که موجودیت واحد و قوانین مشخص دارد» درست است در جهان امروز باید افراد در جوامع انسانی در سرنوشت آینده خود بوسیله مبارزات متشکل اجتماعی تطور نمایند.

ولی از آنجا که دنیای زنده و متمدن و با فرهنگ امروز در واحد مکتب مستقر است (برای آشنایی به قوانین سیر اجتماع راهی جز آشنایی بقوانین موجودیت ملت یعنی ناسیونالیسم نیست) ناسیونالیسم ایرانی در ساده ترین تعریف بمعنی قوانین حیات ملت یا قوانین حفظ موجودیت ملت است.

جهان بینی ناسیونالیستی چه به سبب آنکه بهترین مفسر وقایع تاریخی، و چه به سبب اینکه وقایع اخیر میهن را در بهترین صورت توجیه میکند، باید توجه داشت که در عصر ما بهترین و عالیترین مکتب راهنمای مبارزات ملی ماست، در عصر ما علم، به ناموس حیاتی ملتها یعنی ناسیونالیسم پی برده است.

و امروز مردم با آگاهی بر قوانین حیاتی ملت که واحد کلی هستی آنها را در بر گرفته است، میتواند به بهترین وجه در آینده خود تاثیر نماید، از این روی عصر ما و قیام مهسا را باید عصر آگاهی بر ناسیونالیسم نام نهاد و سال ۹۶ که مردم ایران در خراسان فریاد رضا شاه روح شاد و کورش پدر ماست را سردادند، بدرستی فلسفه تاریخی / ناسیونالیسم را دریافت کرده بودند.

اگر امروز عواملی مانع مبارزات ملی، ملت ایران می شوند و با فرمانروایی شاهنشاهی مخالفت میکنند و یا منافع ملی را ندیده میگیرند و مانع دستیابی به نیرومندی ملی در گذشته و حال می شوند، برای انست که به ناسیونالیسم ایرانی باوری نداشته و در ستیزی آشکار و پنهان با ملی گرایی راستین و نیز میهن دوستی، وطن خواهی، گسترش افکار قومگرایانه، تجزیه طلبانه و میهن ستیزی بوده و هستند و برای رفع این معضل فرهنگی و تاریخی و آگاه سازی جامعه به مبانی ناسیونالیسم باید که قوانین حیات پایداری ملی را از کودکان و آموختگان تا دانشگاه و پس از آن را، آموزش داد، و مبانی و اصول و قوانین ناسیونالیسم ایرانی را در صدر برنامه های ملی و آموزشی گنجاند، تا در پناه باور به قوانین افتخار امیز ملی بتوان ریشه فساد، دزدی، خیانت، بیگانه پرستی را در کشور خشکاند و دیگر دغدغه نفوذ بیگانه و نفوذ تهاجم فرهنگی را نداشت و در واقع ناسیونالیسم زره ای بر تن ناهیان ملت ایران باشد که در حال مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی هستند.

به امید پیروزی

و تداوم مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم

پاینده ایران جاوید شاه

گردآورنده:

زهر اصفار پور حزب پان ایرانیست

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم تنها راه نجات ایران

مشروطه انقلابی برای پاسداری از سیرت یعنی شاه

پاره دوم

محمد اورامانی از ایران

مشروطه یک جنبش یگانه در میان کشورهای مفلوک و استعمار زده آسیایی و آفریقایی بود و اصلا در پی انداختن سپر ملت بر روی زمین یعنی شاه نبود تنها می خواست پیوند نامقدس کاهنان و دین فروشان مسلمان و شیعه مذهب را با شاه تام الاختیار بگسلد و شاه را در بند قوانینی کند تا از اشتباهات احتمالی و نزدیک به یقین او جلوگیری کند .

در ابتدا با شور آغازین و نهادینه شده ژنتیک ایرانیان که همچون فتری جمع شده در انتظار یک قیام بودند موفق بود اما نخستین ضربه را از نقطه ضعف پانصد ساله خود یعنی مذهب تشیع و کاهنان این مرام خورد .

روحانیت بجز تعدادی اندک در برابر تغییر و طلاق از حکومت و قدرت که منبع سروری و درآمدشان بود واکنشی بسیار منفی نشان داده و به مخالفت با مشروطه با تهییج عوام با استدلال بی دین بودن مشروطه چیان و توطئه فرنگیان برای نابودی قداسست دین اسلام و به فحشا کشاندن زنان طیبیه و طاهره مسلمان و کوهی از این اراجیف در برابر تغییر مقاومت کردند . با مقاومت روحانیت خود فروخته و عوام مذهب زده و نیز دربار سلطانی محمد علی شاه که نیتی برای تقسیم یا واگذاری قدرت به مردم نداشت ؛با آن که مجاهدتهایی فراتر از حد تصور از سوی دلیر مردان ایرانی و شیر زنان وطن روی داد؛ مشروطه ابتدا به کام استبداد صغیر محمد علی شاهی رفت و مجلس به توپ بسته شده و در باغ شاهی خیلی از رجال آزادی خواه سلاخی گردیدند . سریر خون به راه افتاد و روابط بینابینی مخالفان و موافقان بوی خون گرفت . دگر بار مشروطیه چیان پیروز شدند اما مشروطه منحرف شد .

انقلاب مشروطه واقعه ای شگفت آور و یگانه در تاریخ نه تنها ایران بلکه قاره کهن آسیا و اولین خیزش موفق آزادگان در قاره آسیا در قرون جدید می باشد و همچون صخره ای بزرگ و پابرجا می تواند همواره تکیه گاه امنی برای ایرانیان باشد اصول مترقی مشروطه بمانند استقلال دادگستری و آزادی مطبوعات و تشریفاتی بودن مقام فرد اول کشور که غیر انتخابی است (شاه) و در صدر تمامی نهادها و تشکیلات بودن مجلس شورای ملی (حکومت پارلمانی) و نیز جدایی کامل قدرت با سلطنت و لزوم تصویب تمامی امور مهم کشور بوسیله نمایندگان منتخب مردم و پاسخ گو بودن دولت تنها به مجلس هم اکنون نیز جزو آرزوهای ایرانیان و مطابق پیشرو ترین حکومتهای دموکرات جهان است .

اصل جدایی دین از سیاست که با فشار روحانیان و در قالب متمم قانون اساسی از بین رفت را میتوان از اندوه بار ترین فرازهای تاریخ ایران نامید .

اساس انقلاب مشروطه بر پایه تشریفاتی شدن و نه از بین

رفتن علل عقب ماندگی ایرانیان که همانا استبداد سلطانی و سیطره دین بر امورات مردم بود که با فشار دینمداران و پشتیبانی مردم ناآگاه از آنان با تبدیل شدن مشروطه به مشروطه مشروعه بر باد رفت .

مشروطه تبدیل به مشروطه مشروعه شد تا بتدریج نفوذ دین و دین سالاران بمانند تلاش موریانه ها پایه های تخت سروری ایرانیان را از درون خورده و اتحاد دین و سلطنت دگر بار مشروطه را به امری پوشالی تبدیل و اساس آزادی و اصل تفکیک قوا و دادگستری مستقل و آزادی مطبوعات را سست گرداند .

مطبوعات آزاد و دادگستری مستقل بر اساس حق برابری تمامی ایرانیان در پیشگاه قانون از اصول مترقی مشروطه بود که بواسطه ناآگاهی مردم و عدم آمادگی آنان در پذیرش این موهبتها بتدریج سست و بی رنگ گردید .

انجمنهای ایالتی و ولایتی از دیگر نکات مترقی و غیر قابل اجرای قانون مشروطه بود زیرا با توجه به نفوذ حکام محلی و نوپا بودن مطبوعات آزاد و نا آگاهی مردم ولایات که رای آنها را میشد به بهایی ارزان خرید و فروش کرد موجب شد اختیارات گسترده این انجمنها در ولایات که برای راه اندازی درست و سریع و پاک کارها اعطا شده بود عملا به مستمسکی برای سرکشی و فساد تبدیل و این اصل را ناکارآمد کرد .

مشروطه نتوانست امنیت را برقرار کند تا قانون حاکم گردد و سپس آن که مجالس تشکیل شده به دلیل سختی تفهیم فرهنگ مردم سالاری بر عوام و مذهب زدگی آنها؛ مجالسی نیمه منتخب و نیمه انتصابی بود و سوم آن که با فشار روحانیت متحجر و الحاق متمم دوم قانون اساسی مبنی بر تشکیل شورایی پنج نفره از فقها مبتنی بر نظارت این فسیلان بر قوانین مصوب مجلس ؛در واقع مشروطه پسوندی به نام مشروعه گرفت که در حقیقت دو واژه مخالف یکدیگر بوده و ناشدنی .

(به مانند جمهوری اسلامی کنونی)

پس مشروطه بر اثر دلایل فوق و وقوع جنگ اول جهانی و فشار نیروهای روسیه تزاری و بریتانیای استعمارگر و اشغال چند باره بخشهایی از کشور به قهقرا رفت و حکومت مرکزی تضعیف شده و همان دولت نیم بند سلطنتی سابق نیز چنان بی اختیار شد که در جای جای کشور یک به یک انسانهای سرکشی ظهور کردند تا مثلا حق خود و مردم خود را که معلوم نبود دقیقا چه کسانی هستند بستانند

در حقیقت کشور در آستانه تجزیه بود و لاجرم هیچ چاره ای در برابر رجال مشروطه خواه وجود نداشت تا این درد را درمان کنند .

تا آن که مام میهن یک فرزند برگزیده خود را به ایرانیان اهدا کرد که نامش رضا و لقبش سرتیپ و عنوانی که بعدها ملقب به آن شد رضاه شاه کبیر بود .

اشغال ایران و بحرانهای ساختگی

سعید حمزوی

با اعلام وضعیت قرمز کمبود آرد و نان بر خلاف واقعیت و بطور ساختگی دایر کردن یک بحران دیگر در کشور حاصل دودی است به چشم طبقه متوسط و بدتر از آن آسیب رسانی به کم درآمد و بی درآمدترین قشر جامعه چرا ؟ تا بتوانند با صدور کوپن مردم محروم را ساعتها در صف نان معطل نگاهدارند و سهمیه دادن آرد را به گذارند در انحصار ناتوای خودی و نه به همه افراد صنف نانوا یکسان قرار گیرد در اینصورت با باز گذاشتن دست عده ی محتکران دوباره بازار کوپن فروشی و در آمد کاذب رواج دادن و اسباب اذیت و آزار مردم در انتظار دریافت یک قرص نان را فراهم آوردن آنهم به زور و به بیعدالتی در حالیکه قسمتی از ثروت مملکت به افراد بسیاری در کشور های همسایه و کمی دورتر پول تو جیبی داده میشود . اینها از کجا آمده اند حاضرند به صاحبان ایران ظلم بی پایان روا دارند خشونت و به استثمار کشیدن مردم روی آورند بی رحمانه به چنین اموری بپردازند ادعا کردن نماینده خداوندند با کارشان مردم را از دین متنفر کردند استثمار کردن و زور گویی گفتن از برکات اشغال گران با هدف تخریب میهن و فرهنگ کهن ایرانی چیز دیگری نیست . اشد خشونت و بی رحمی نمونه بارز و کشتار جوانان محصول آنست وکاری است که از روز اول میگویند بنا همین بوده است خوب چه انتظاری دیگر برای ما ملت باقی مانده از دو مساله صحبت به میان آوردیم یکی آئین مذهبی و دیگری آزادی و معیشت و اقتصاد زندگی مردم در قانون اساسی مشروطه است و حائز اهمیت بلکه اصل ماجرا و بصورت خواسته از دانش عمومی مطرح میشود نکته اینجاست در خود قانون پیش بینی شده و راه حل ارائه گردیده است و بشکل معقول تغییرات امکان پذیر است با رعایت قانون که فقط با تداوم آن بلافاصله بعد از پیروزی ملت امکان پذیر میشود و دوم امور کشور است که همه از رسیدن به آزادی بسرعت تامین میشود که موفقیت در هر دو دست جوانان و خادمین بکشور و متکی به تاریخ ایرانی و خاک پاک ایران را میبوسد . اقتصاد در سایه کار و کوشش وقتی به نتیجه میرسد و خوشبختی رفاه و آسایش به همراه میآورد که مردم صاحب مملکت و با اراده مردم میهن ، مشروطه خواه بر آمده از نهاد شاهنشاهی که ریشه از دوران باستان دارد بکارش ادامه دهد . آسان است پشتکار است و بر خاستن و توانستن . مردم شریف ایران یک انگیزه دارند و پادشاه ایران را صدا میکنند بدرستی دانسته اند راه نجات ایران کدام است و حاضر نیستند به گفتگو دیگر پرداخته وقت تلف کنند.

مانده ایران

تداوم مشروطیت به پادشاهی رضا شاه دوم

سام از ایران

حال که فسیلهای پنجاه و هفتی دوباره فعال شده اند و طرفداران جمهوری مانند مجاهدین و نهضت آزادیها و اصلاح طلبان حکومتی و اصولگراها و بقایای حزب توده و چریکهای فدایی خلق پیشاپیش جمهوری را حکومت آینده ایران میدانند و رفراندوم و تعیین نوع حکومت به دست مردم را به رسمیت نمی شناسند ما نیز از حق مسلم تاریخی و ایرانشهری خود دست نمیکشیم و انتخاب نوع حکومت را به قضا و قدر و شیظنهای قبل و بعد از رای گیری و شمارش آرا (با اینکه نتیجه اش برای همگی روشن است) نمی سپاریم.

حال که نسرین ستوده و نرگس محمدی به عنوان وکیل این حق را برای مردم قائل نیستند ما نیز از حق مسلم ایرانیان کوتاه نمی آییم ما خانه را نه به مستاجر چهل و چهار ساله ، بلکه به صاحب خانه می سپاریم .

از نظر ما رضا شاه دوم پهلوی پادشاه قانونی ایران است و پس از سرنگونی جمهوری اسلامی میتواند دستور تشکیل مجلس موسسان و اصلاح قانون اساسی مشروطه را بدهد. آنچه مسلم است این است که چنانچه در مبارزه یک قدم عقب برداری ، رقیب ده قدم جلو می آید ، ما نیز به همین سبب کوچکترین انعطافی در مقابل تجزیه طلبان و مدافعان دروغین حقوق بشر و پروپاگاندای آنها نخواهیم داشت و با پشتوانه نسل شیک پاسارگادی و مردم در داخل ایران از اقشار مختلف که شامل معلمان و کشاورزان و کارگران و نظامیان میشوند خواهان بی قید و شرط بر تداوم مشروطیت به پادشاهی رضا شاه دوم ، تاکید میکنیم و نصیحت و سفارش شاهنشاه آریامهر را آویزه گوشمان میکنیم که فرمود پشتیبان سه چیز باشید

۱- قانون اساسی مشروطه

۲- پرچم سه رنگ شیر و خورشید

۳- ولیعهد قانونی ایران شاهزاده رضا پهلوی

در مکتب ما شاه بود سایه یزدان

تا کور شود دیده بیگانه پرستان

پاینده ایران. جاوید شاه

عضو شورای باز پس گیری ایران

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم تنها راه نجات ایران

از حمید مصدق

چه کسی میخواد من وتو مانشویم ؟ خانه اش ویران باد
 من اگر ما نشوم ، تنهایم! تو اگر مانشوی خویشتنی!
 از کجا که من وتو شور یکپارچگی را در شرق باز بر پا نکنیم؟!
 از کجا که من وتو مشت رسوایان را وا نکنیم؟!
 من اگر برخیزم تو اگر برخیزی همه برمی خیزند
 من اگر بنشینم تو اگر بنشینی چه کسی بر خیزد؟!
 چه کسی با دشمن خونخوار بستیزد؟!
 چه کسی پنجه در پنجه/هر (این) دشمن دون آویزد؟!

پیام نامه شماره ۱۰ شورای باز پس گیری ایران

شماره ۱۰ ۱۳ خرداد ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۳ جون ۲۰۲۳ ترسایی
 تلفنهای گروه نویسندگان: ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳
 نوشتارهای این شماره:

- ۱- پیام تسلیت شاهزاده رضا پهلوی برای روانشاد مهرداد پارسا
 - ۲- اقتدار یا استبداد
 - ۳- تنها راه نجات ایران در تداوم مشروطیت
 - ۴- ناسیونالیسم آگاه
 - ۵- مشروطه انقلابی (پاره دوم)
 - ۶- اشغال ایران و بحرانهای ساختگی
 - ۷- تداوم مشروطیت به پادشاهی رضا شاه دوم
 - ۸- سروده ای از حمید مصدق
 - ۹- شعری از یک بانوی هم وطن
- اسداله نصر اصفهانی
 محمود احمدی
 بانوزهر صقارپور
 محمد اورامانی از ایران
 سعید حمزوی
 سام از ایران
 حمید مصدق
 بانوی ایرانی



کشور که شاه نداره حساب و کتاب نداره

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضا شاه دوم تنها راه نجات ایران